یادداشت

روایت یکی از روزهای کاری

م.م.شریفی

یکم

ساعت شش صبح، جلسه شورای حفاظت فارس با حضور شخص استاندار برگزار می‌شود. نشست خبری روز قبل مدیر عامل و سنگینی استرس حاکم بر اتمسفر آن، باعث خستگی‌ات شده، همکارانت را برای نصب بنرِ بک گراند و ثبت تصاویر و کار کردن خبر راهی کنی و خودت را به دوره آموزشی آیین نگارش دوست، استاد محمد مهدی باقری برسانی. تماس کرامت عزیز(معاون حفاظت و بهره‌برداری و البته رئیس‌ت) برنامه تو را عوض کرده مسیر را به سمت استانداری تغییر می‌دهی. دقایقی چند اما جلسه شروع شده است، به سفارش استاندار برای حاکم کردن نظم، در ورود رأس ساعت شروع بسته شده است. جناب نوروزی، دوست قدیمی و مدیر دفتر استاندار سبب‌ساز باز شدن در است! و البته جناب سرهنگ از همکاران نیروی فراجا که مانند تو پشت درب جلسه گیر افتاده را مانند جان‌پناه جلو می‌فرستی و پشت او وارد می شوی! خیره به زمینی و به دنبال صندلی خالی، مبادا چشمانت در نگاه مدیرعاملت گره بخورد و با دیدگان تیزبینش بازخواست بشوی دیر آمدنت را!!

جلسه به اتمام می‌رسد؛ با مدیرعامل به شرکت می‌رسی، چند دقیقه‌ای روی برخی مصوبات که می‌تواند تیتر خبری خوبی بشود مشورت می‌کنی و خودت را به کلاس استاد باقری می‌رسانی. مانند همیشه لطف کرده پایین می‌آید و به احترام در آغوشت می‌گیرد و خستگی‌ات را می‌زداید. روز قبلش چند دقیقه‌ای که فرصت کرده‌ای در کلاسش حاضر شوی کژتاب ننوشتن را آموخته‌ای و اینک تفاوت فعل‌های هست و است را یاد می‌گیری؛ قتل عام عدم را به ذهن می‌سپاری. ناگهان با تماس جناب شکوهی، مدیر دفتر مدیر عامل، ضمن عذرخواهی از استاد، کلاس را برای گرفتن عکس یادگاری همکاران بهم می‌ریزی! تصاویر که ثبت شد با کرامت به دنبال خودرو مدیرعامل به سوی سازمان زندان‌ها حرکت می‌کنی.

دوم

به سالن جلسات زندان عادل‌آباد می‌رسی؛ صحبت‌های دادستان استان و مدیرعامل شرکت و رئیس انجمن حمایت از زندانیان را که می‌شنوی در برنامه بازدید از بندِ نِسوان - زندان زنان - همراه می‌شوی، جایی که به وقت بازگشت آرزو می‌کنی کاش نمی‌رفتی؛ چهره‌هایی زنانه و ظریف و لطیف زیر پوشش چادرهایی رنگی اما صورتک‌هایی چروک خورده و شکسته شده نه از فرط درد که از فشاری که گذشت بسیار کند زمان بر آنها وارد کرده است. انگار عقربک ثانیه‌شمار را باید التماسش کنی تا بچرخد. زمان در چاردیواری قفس‌مانند له‌شان کرده است. خانم جوانی برای ۷ میلیون تومان بدهی یا سرقت محبوس است و دلت به درد می‌آید؛ به تو اگر باشد آزادشان می‌کنی بروند پی کار و زندگی‌شان، اما حتم داری یکی از آنها تیغش را بر گلویت می‌گذارد گوشی موبایلت را می‌رباید تا دیگر هَوَس قضاوت کردن نکنی. اصولاً تو را برای قضاوت نساخته‌اند که سرشار از احساساتی.

چهره‌های دخترکان و زنان شکست خورده در اجتماع بیرون را از نظر می‌گذرانی که صدای هق‌هق گریه‌ای میخکوبت می‌کند؛ باور نمی‌کنی مدیرعامل این‌گونه زار بزند! در باورت نمی‌گنجد که رفتارش و قاطعیتش را لمس کرده‌ای، حتی قطره‌ای اشک در فوت نابهنگام خواهرش را ندیده‌ای؛ کسی که مانند دیرک میان‌خیمه، سوختنش را به روی خود نیاورده بود تا اطرافیان و پدر مادر و به خصوص خواهرزاده‌هایش تحمل دردِ از دست دادن مادر برایشان راحت‌تر باشد. آری! هم او با دیدن کیان؛ کودکی یازده ماهه و معصوم در کنار مادر زندانی‌اش عنان اختیار از کفش خارج شده بود و دقایقی را اشک ریخت. دست راستش بر پیشانی و تکان‌تکان سرش چشم‌های تو و کرامت و استخر و کشاورز را هم خیس کرده است. آه از این انسان پیچیده، بیرون قدر آزادی‌اش را نمی‌داند و به وقت زندان شدن تمام تلاشش را برای حتی یک دقیقه تنفس در هواخوری به کار می‌بندد. او حبسش را می‌گذراند ولی چه می وان گفت نداشتن کوچکترین تقصیری از کیان پسرکی موبلند که سه‌ماهگی خودش را تا یازده‌ماهگی در زندان‌گذرانده است و تنها اسباب‌بازی‌اش قفل زمخت در بند مادرش هست. باب خیری می‌شود مهندس بدری تا فرصتی ایجاد کند حضور دادستان را در زندان تا چندتایی‌شان که شرایطش را دارند زندان باز شوند(زندانی اداری که شب‌ها را در خانه کنار خانواده به سر می‌برد) و حتی بعضی شرایط بخشش برایشان فراهم شود.

سوم

از زندان عادل‌آباد یک‌راست می‌روید به سالن فرهنگی جهاد دانشگاهی برای شرکت در ضیافت ناهار بازنشستگان سازمان آب. چه روزی را برایت می‌سازد این سه‌شنبه در خاطرات زندگی‌ات.

در سالن جهاد دانشگاهی چهره‌هایی را می‌بینی که در ذهنت به‌جز باریکه‌ای از خیال چیزی از آنها نمانده است.

چهره‌هایی که گاهی شرمنده می‌شوی از آنکه نامشان را فراموش کرده‌ای، اولین‌مرتبه است چنین فضایی را تجربه می‌کنی. چند سالی کرونا این ضیافت را به دنبال انداخته است و قبل از آن‌هم روابط عمومی نبوده‌ای دعوت شوی!

همکار بازنشسته‌ای را سال‌ها قبل شاید در حد یک امضا دیده‌ای و دیگری رئیست بوده است و آن یکی مرئوست و بعضی‌هاشان در دهه هشتاد به وقت عصر سازندگی مجری طرح بوده‌اند و در جلسات فصلی مدیران آن زمان به‌عنوان رئیس ادارهای کوچولو ریز می‌دیده‌اندت و شاید تو نیز برخی را با رفتار نابخردانه‌ای رنجیده خاطر کرده باشی. آیینه‌ای تمام قد برای دیدن خودت در سال‌های آتی، نشسته بر روی صندلی بدون هیچ اختیاری و مسئولیتی و با عنوان بازنشسته!! گو اینکه روز محشر هست و باید حساب پس بدهی. موجی از آدمها نشسته بر سر میزها یا صف سلف سرویس غذا شبیه صف حساب پس دادن. حسرت می‌خوری چرا جواب فلان همکار را به تندی دادی و خجل می‌شوی از آن یکی و یا رگ گردنت ورم می‌کند از آنکه بهمان همکار با انتقالی آن زمانت موافقت نکرده است .... کسی را که روزی روزگاری انباشته از ابهت می‌دیدی و برای خودش امپراطوری از قدرت راه انداخته بود را لنگان‌لنگان با صورتی تکیده تنها نشسته بر سر میزی یک نکته را یادآور می‌شود؛ انگار ماکتی از زندگی دنیایی را تجربه می‌کنی؛ اداره یا دنیا ارزش رنجاندن دلی را حتی به اندازه سر سوزنی ندارد. عجب روزی بود امروز از آیینه عبرت در ندامتگاه مرکزی شیراز تا ماکتی از روز محشر در جمع بازنشستگان و همکاران سابق.

پ.ن: بر خلاف همیشه که مطالبم را با اول شخص ی نویسم این‌بار تحت تأثیر خواندن کتابی با دوم شخص نوشته‌ام.

تا چه شود !

معجزه پساتولید در دیده شدن

نارگیل ۲

سید داوود اطیابی، کارگردان فیلم سینمایی «نارگیل۲» ضمن اشاره به دلایل موفقیت این فیلم کودک و نوجوان در اکران از کیفیت نسخه سریالی «نارگیل» ابراز نارضایتی کرد.

به گزارش مهر، سید داوود اطیابی، کارگردان فیلم سینمایی «نارگیل ۲» که این روزها به نمایندگی از سینمای کودک و نوجوان در ترکیب اکران قرار دارد، در خصوص این فیلم گفت: رویکرد ما در تولید این فیلم در نظر داشتن همه اعضای خانواده به‌عنوان مخاطب بود و تلاش کردیم با مخاطب‌شناسی درست و تبلیغات خوب، فیلم را به مردم بشناسانیم و می‌دانستیم بازخورد خوبی هم خواهیم گرفت.

وی افزود: طبیعتاً به‌عنوان کارگردان دوست داشتم فروش خیلی بیشتری می‌داشتیم، اما در این فصل اکران که البته هم‌زمان با ماه صفر و عزاداری هم است، می‌توان گفت «نارگیل ۲» نسبت به فیلم‌های دیگر با بازخورد بهتری از سوی مخاطب مواجه شده است. البته نمی‌توان به صورت قطعی گفت که بهترین فصل برای اکران فیلم‌های کودک، فصل پاییز است به خصوص که در کشور ما معمولاً مشخص نیست در هر مقطعی چه اتفاقی قرار است، رخ بدهد و به همین دلیل خیلی از مسائل متأثر از شرایط اجتماعی و اقتصادی است و قابل پیش‌بینی نیست، بنابراین نمی‌توان قطعی گفت که آیا «نارگیل ۲» در فصل پاییز یا حتی در اکران نوروز، می‌توانست فروش بهتری داشته باشد. اطیابی در عین حال تأکید کرد: اگر فیلم خوبی ساخته باشید و تبلیغ مناسبی هم برای اکران آن داشته باشید، قطعاً می‌توانید بازخورد مطلوبی را هم از سوی مخاطب شاهد باشید. مردم نیاز به فیلم خوب دارند و اگر فیلمی بتواند آنها را سرگرم کند از آن استقبال می‌کنند.

دیگر آنچنان علاقه‌مند به ساخت فیلم کودک نیستم!

این کارگردان سینما درباره تجربه قبلی خود یعنی فیلم «مبارزان کوچک» که آن هم در حوزه کودک و نوجوان بود، گفت: به‌عنوان فیلم‌سازی که به صورت تخصصی کار در حوزه کودک را دنبال می‌کنم، باید هر کارم نسبت به کار قبلی بهتر باشد. تجربه هم در این زمینه بسیار تأثیرگذار است. البته من زمانی کار در حوزه کودک و نوجوان را بسیار دوست داشتم، اما امروز دیگر آنچنان علاقه‌مند نیستم، چراکه هیچ حمایتی از آن نمی‌شود. در چند سال اخیر هم دو سه کار کودک برای ساخت پیشنهاد شد که آن را نپذیرفتم.

وی افزود: نه در بازه اکران و نه در فرآیند تولید هیچ کمکی به فیلم‌های حوزه کودک و نوجوان نمی‌شود. ما یک بنیاد فارابی و یک وزارت ارشاد داریم که در زمینه سینمای کودک تنها شعار می‌دهند؛ تنها ارگانی که داعیه حمایت از سینمای کودک را دارد فارابی است و باقی ارگان‌ها مانند آموزش‌وپرورش و یا کانون پرورش فکری، به طور کامل میدان را خالی کرده‌اند. فارابی هم که باقی مانده تنها یک جشنواره برگزار می‌کند که هر سال نمی‌دانند باید برگزار بشود یا نشود! به دلیل همین شرایط است که فکر می‌کنم سینمای کودک ما همچنان گرفتار همین وضعیت باقی خواهد ماند، مگر اینکه فیلمی مانند «نارگیل ۲» بتواند با نگاهی متفاوت به حوزه تولید و اکران، مخاطب را با خود همراه کند.

اطیابی درباره نامفهوم بودن برخی دیالوگ‌های موزیکال فیلم برای گروه سنی کودک و خردسال، توضیح داد: یکی از رویکردهای اصلی فیلم ما، خانواده‌محور بودن است و مخاطبان بزرگسال را هم مدنظر داشتیم؛ به همین دلیل برخی دیالوگ‌های فیلم شاید برای کودکان سنگین باشد و بزرگترها بیشتر متوجه آنها بشوند، در عین حال اما در بخش‌های موزیکال مخاطبان کودک هم با فیلم همراه می‌شوند. شاید در این بخش‌ها مخاطب کودک به درستی متوجه مفهوم دیالوگ‌ها نباشد اما موسیقی فیلم آنها را همراه می‌کند.

البته کودکان نسل امروز آی‌کی‌یو بالایی هم دارند و درک روابط و اتفاقات برای آن‌ها راحت‌تر است.

چیزهایی که از ابراهیم عامریان آموختم

این کارگردان سینما درباره همکاری با سید ابراهیم عامریان در مقام تهیه‌کننده که پرفروش‌ترین فیلم‌های این سال‌ها همچون «فسیل» را در کارنامه خود دارد و گفته می‌شود در مواردی دخالت‌هایی فراتر از یک تهیه‌کننده در فرآیند تولید فیلم‌هایش دارد هم گفت: این‌گونه نیست که ابراهیم عامریان در فرآیند فیلم‌نامه دخالت مستقیم داشته باشد و بیشتر مباحث در قالب تشریک مساعی پیش می‌رود. ابراهیم عامریان از نگاه من یک بیزینسمن بسیار خوب در سینمای ایران است و فضای بازار و رقابت را به بهترین شکل درک می‌کند.

وی افزود: نکته‌ای که آقای عامریان به خوبی روی آن تمرکز دارد و ما در مقام فیلمساز قبلاً کمتر به آن توجه داشتیم، فرآیند پساتولید است. در بخش فروش و تبلیغات، او کار خود را به خوبی بلد است و به شخصه در این همکاری موارد بسیاری را در این حوزه از او آموخته‌ام. برای اکران فیلم «نارگیل ۲» در حدود ۶ ماه تبلیغات کردیم و در تمام تبلیغات پیش از اکران فیلم‌ها در سینماها، مخاطب با «نارگیل ۲» آشنا می‌شد. تمرکز تبلیغات‌مان هم مستقیم بر روی مخاطبان سینمارو بود. همه آنها که «فسیل» را می‌دیدند، تبلیغات «نارگیل ۲» را هم می‌دیدند و این یکی از نکات مهم در عرصه تبلیغات است.

کارگردان «نارگیل ۲» درباره چالش‌های احیای جریان تولید فیلم‌های عروسکی در سینمای ایران هم گفت: فیلم‌های عروسکی در مقطعی با موفقیت در اکران مواجه نمی‌شدند و دلیل اصلی‌اش هم کپی‌برداری بود؛ فیلم «نارگیل ۲» اما کپی‌برداری از هیچ داستانی نیست و یک داستان کاملاً ایرانی هم دارد. عروسک اگر طوری طراحی شده باشد که حین حرکت و اجرا مقابل دوربین، مخاطب زنده بودن آن را باور کند، اتفاق بسیارِ خوبی رخ خواهد داد. فیلم‌های عروسکی در دنیا گونه محبوبی هستند و اتفاقاً هم ساخت این جنس آثار در مدیوم سینما خیلی سخت‌تر از تلویزیون است. به همین دلیل هم در سطح سینمای جهان فیلم‌های عروسکی موفق، کم هستند.

اطیابی اظهار کرد: اکران فیلم ما با تعداد سالن پایین آغاز شد و آرام‌آرام به تعداد ۴۰۰ سالن رسیدیم. سینمادار وقتی می‌بیند یک فیلم خوب می‌فروشد، برای آن تقاضای سانس بیشتر می‌کند. هیچ سینماداری دوست ندارد سالنش با مخاطب کم اکران داشته باشد. برای اکران فیلم «نارگیل ۲» در حدود ۶ ماه تبلیغات کردیم و در تمام تبلیغات پیش از اکران فیلم‌ها در سینماها، مخاطب با «نارگیل ۲» آشنا می‌شد. تمرکز تبلیغات‌مان هم مستقیم روی مخاطبان سینمارو بود. همه آنها که «فسیل» را می‌دیدند، تبلیغات «نارگیل ۲» را هم می‌دیدند و این یکی از نکات مهم در عرصه تبلیغات است.

کارگردان «نارگیل ۲» درباره فرآیند طراحی عروسک‌های این فیلم هم گفت: واقعیت این است که من خیلی دخل و تصرفی در فرآیند طراحی آنها نداشتم و صفر تا صد کار مربوط به خود طراحان است. ۲ نوبت اتود زدند که نوبت دوم را هم من و هم آقای عامریان بسیار پسندیدیم و به طراحان دستمریزاد گفتیم.

وی درباره ترکیب عوامل فنی فیلم هم گفت: خوشبختانه از صداپیشگان تا طراح صحنه و طراح گریم، همه از بهترین‌های سینما بودند و گاهی احساس می‌کنم ضعیف‌ترین عضو گروه تولید این فیلم من در مقام کارگردان بودم. همه درجه یک بودند و این باعث خروجی باکیفیت شده است.

چرا سریال «نارگیل» را کارگردانی نکردم؟

اطیابی درباره اینکه به‌رغم تولید نسخه سینمایی «نارگیل» پیش از تولید و عرضه سریال آن در شبکه نمایش خانگی، چرا این نسخه با عنوان «نارگیل ۲» اکران شده است، توضیح داد: واقعیت این است که «نارگیل ۲» اول ساخته شد. بعد از آن در مجوزی که برای سریال صادر شد هم نام من به‌عنوان کارگردان درج شده بود اما به علت یک حادثه نزدیک به ۶ ماه پای من در گچ بود و به دلیل عمل جراحی، نمی‌توانستم اجازه بدهم که سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده ضرر کنند و به همین دلیل کنار کشیدم و از ابراهیم عامریان خواستم خودش پای کارگردانی کار بیاید و سریال را با همراهی نویسنده کار یعنی حمزه صالحی به سرانجام برساند. از خروجی نهایی اما راضی نبودم. کیفیت سریال مانند فیلم نبود و من به‌عنوان کارگردان نسخه سینمایی، انتظارم از آن برآورده نشد. داستانش هم البته ارتباطی با فیلم سینمایی نداشت. نام‌گذاری «نارگیل ۲» هم به‌دلیل ترتیب پخش این ۲ محصول بود.

این کارگردان درباره ممیزی‌های اعمال‌شده در فیلم سینمایی «نارگیل ۲» و به‌خصوص مجوز بخش‌های موزیکال آن گفت: قطعات موزیکال فیلم از نگاه دوستان ارشاد مشکل خاصی نداشت؛ چند بخش رقص داشتیم که با سانسور و ممیزی مواجه شد و دیالوگ‌های سانسوری هم خیلی زیاد داشتیم و چیزی در حدود ۹ دقیقه از فیلم اصلاحیه خورد.

مثل برادرم سراغ فیلم‌های کمدی می‌روم

سید داوود اطیابی درباره تفاوت رویکرد خود در فیلم‌سازی نسبت به برادرش سیدمسعود اطیابی عنوان کرد: شاید چون من از برادرم کوچک‌تر هستم سراغ سینمای کودک آمده‌ام و او سراغ فیلم‌های بزرگسال رفته است(می‌خندد)! البته من هم گفتم که دیگر نمی‌خواهم فیلم کودک بسازم. در حال حاضر «دختران دریا» را آماده دارم که در انتظار صدور پروانه نمایش است و آن‌هم دیگر در فضای کودک و نوجوان نیست.

وی درباره اینکه آیا امکان دارد سراغ ساخت فیلم‌های کمدی مشابه فیلم‌های برادرش برود، ابراز کرد: صد در صد به سراغ فیلم‌های کمدی می‌روم؛ نه به معنای اینکه فیلم‌سازی برادرم روی من تأثیر داشته باشد بلکه این محصول تأثیر جامعه روی فیلم‌سازی ماست. مردم ما از درون، مردمی غمگین شده‌اند و گاهی ظاهر خود را شاد نشان می‌دهند؛ به همین دلیل ما به فیلم‌های کمدی نیاز داریم. امثال بنده به‌عنوان یک فیلم‌ساز کوچک، همچون یک قطره در اجتماع هستیم که به اندازه خودمان وظیفه داریم حتی برای یک ساعت هم که شده است، آنچه را که جامعه به آن نیاز دارد در اختیارش بگذاریم. مردم اگر برای ۲ ساعت هم با فیلم من بخندند، کار خودم را کرده‌ام. هنجارشکنی‌های اجتماعی غالباً توسط آدم‌های غمگین اتفاق می‌افتد و شما بعید است شاهد جنایتکاری و یا آزارگری یک فرد شاد در جامعه باشید. امروز جامعه ما نیاز به تولیدات کمدی دارد؛ به همین دلیل هم امروز پرفروش‌ترین فیلم‌های اکران، فیلم‌های کمدی هستند.

فیلم کوتاه «کمد سیاه» آماده نمایش شد

هم‌زمان با آماده شدن فیلم کوتاه «کمد سیاه» به کارگردانی و نویسندگی آسیه اسدزاده و تهیه‌کنندگی شهرام اسدزاده از تیزر این فیلم رونمایی شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به‌نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلم کوتاه «کمد سیاه» به کارگردانی و نویسندگی آسیه اسدزاده و تهیه‌کنندگی شهرام اسدزاده ساخته شده است و آرش نجفی، مطهره موسوی و امیرعلی احمدیان مقابل دوربین مهدی ایل‌بیگی رفتند.

در خلاصه داستان فیلم کوتاه «کمد سیاه» آمده است: «خانواده پارسا برای خواستگاری به منزل آشنا می‌روند؛ نسرین، مادر پارسا در خانه آشنا ناپدید می‌شود و ...»

مطهره موسوی، آرش نجفی، امیرعلی احمدیان، توران رمضانی، پرویز آقازاده، شهروز شهبازی، علی جهانگیری، شیلان مدنی، گلناز دروگر، پریسا ثریاپور، دنیا عیدیون، حمید میربد، فاطمه نجفی، زهرا محبی، رضوان محبی، عادل حقیقی، علی‌رضا رئیسی و بازیگر خردسال آرش خلصه دهقان با حضور بابک نوری و ندا حسینی بازیگران «کمد سیاه» هستند.

دیگر عوامل این فیلم کوتاه عبارتند از عوامل: مدیر فیلم‌برداری: مهدی ایل بیگی، مدیر برنامه‌ریزی: علی آشتیانی، صدابردار: محمد صالحی، صداگذاری: سید محمود موسوی‌نژاد، تدوین: امیرحسین تحسینی، طراح گریم: دانیال شعاعی، طراح صحنه: آسیه اسدزاده، طراح لباس: حنا قراگزلو، اصلاح رنگ و نور: فربد جلالی، موسیقی: مهدی کلانتری، مدیر تولید: داریوش آهنچیان، مجری طرح: مؤسسه «نقطه عطف سینما تئاتر»، امور هماهنگی پروژه: مسعود حکمت، ساخت تیزر: استودیو راش‌اند کات، عکاس: عباس بغدادی و مشاور رسانه‌ای: مریم قربانی‌نیا.

اجرای ویژه نمایش «فردا» در حمایت از بیماران

گروه اجرایی نمایش «فردا» تمام عواید فروش اجرای روز چهارشنبه ۸ شهریورماه را به بیماران سرطانی اهدا می‌کنند.

به گزارش ایسنا، این اثر نمایشی به کارگردانی سروش زرینی این روزها در خانه نمایش دا روی صحنه است و بنا بر تصمیم گروه اجرایی، تمام عواید فروش این نمایش در روز چهارشنبه هشتم شهریورماه به بیماران و ناتوانان اختصاص پیدا می‌کند.

بلیت این نمایش در روز چهارشنبه به صورت همت عالی به فروش می‌رسد و عواید فروش از طریق خیریه پیام امید که حامی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و بیماران و ناتوانان است، به این افراد تعلق خواهد گرفت.

گفتنی است که سروش زرینی، نویسنده و کارگردان نمایش «فردا» جراح عمومی و معتقد است که فضای این نمایش با رشته تخصصی‌اش بی‌ارتباط نیست، چراکه در عصر امروز، بین درد جسمانی و درد روحی انسان مدرن ارتباط عمیقی وجود دارد که در نمایش «فردا» مورد توجه قرار گرفته است.

نمایش «فردا» به نویسندگی و طراحی و کارگردانی سروش زرینی با بازی حمیده گل محمدی، محمد تنها روی صحنه می‌رود.

دیگر اعضای گروه اجرایی آن به شرح زیر هستند: مشاور هنری: ایمان عنایتی، طراح پوستر: مازیار تهرانی، طراح گریم: قدسی شریعتی، اجرای گریم: قدسی شریعتی، پیمان پرندوار، طراح و اجرای لباس: حمیده گل محمدی، انتخاب موسیقی: ایمان عنایتی، دستیار کارگردان: پگاه نکوکار، منشی صحنه: میترا بهرامپور، روابط عمومی و تبلیغات: بهناز شهسوار، موشن گرافی: صادق حسینی، ساخت تیزر: امین صامتی، مسئول صفحه مجازی: یاسمین زرینی.

در توضیح این نمایش آمده است: «فردا»، یک اجرای تجربی و برداشتی آزاد از متنی است که حدود ۵۳ سال پیش در کشوری دیگر نگاشته شده است و در طی پروسه تمرینی و تجربی ما در مکتب تهران، به‌عنوان یادگار و پایان کار از یک پروسه هنری در طی یک سال به این فرم در آمده است.

این نمایش هر شب ساعت ۲۱ در خانه نمایش دا، روی صحنه می‌رود.

عکس روز

عکس از: شهرام شاهد

منظر گاه حافظیه شیراز، نگین ملی

همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین در مرز خسروی آغاز شد

به گزارش ایرنا، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی کرمانشاه گفت: هفتمین همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین تحت عنوان «روایت راهیان» با حضور بیش از ۳۰ هنرمند استان در قالب اعزام هشت گروه نمایشی در مرز خسروی آغاز شد.

«افشین آزادی» در این خصوص اظهار کرد: این همایش هم‌زمان با استان‌های ایلام، خوزستان و کردستان شروع شده است.

وی با اشاره به حضور خودجوش هنرمندان کرمانشاهی در این رویداد تحت قالب نذر فرهنگی به‌عنوان ادای دین فرهنگی هنرمندان تئاتر در مسیر زوار سید و سالار شهیدان عنوان کرد: نمایش‌های سقا(سعید ذبیحی)، قصه‌ها(نعمت الله اسدی مرام)، پیاده(آرش منصوری)، غارتگران خیمه‌ها(بهاره کرمی)، نگهبان علقمه(هومن روحتافی)، قصه عشق(احسان زین الدینی)، گمرک(علی زیستی) و وصیت(سعید نوروزی) از سه‌شنبه هفتم شهریور تا جمعه ۱۰ شهریور اجرا می‌شوند.

وی با اشاره به استقبال پرمخاطب این همایش در دوره‌های قبل خاطر نشان کرد: بازخوردهای مثبتی که از این رویداد به دست آمد، افزایش کمی گروه های نمایشی را در شهریور امسال به دنبال داشت و این اجراها به دلیل افزایش حجم تردد زوار از قصرشیرین تا پایانه مرز خسروی متمرکز شده است.

آزادی، مکان برگزاری در مرز خسروی را پایانه خسروی، موکب حضرت قاسم(ع) و موکب فرزندان شاهد عنوان کرد و گفت: پس از هفت سال از شروع این رویداد مهم برای سومین بار همایش روایت راهیان در این استان برگزار می‌شود.

وی با اشاره به موضوعات نمایش‌های هفتمین همایش بین‌المللی تئاتر مردمی پیاده‌روی اربعین روایت راهیان عنوان کرد: قیام عاشورا، وقایع تاریخی مربوط به محرم الحرام ۶۱ هجری، فرهنگ عاشورا و انقلاب اسلامی(مختص بخش ایران)، شخصیت امام حسین (ع) و یاران باوفایش، مدافعان حرم(شهدای مشترک ایران و عراق) سرداران شهید حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی مهندس و روایت‌ها برخی از موضوعاتی است که آثار نمایشی با محوریت آنها تولید شده است.

گفتنی است، با آغاز سفر اربعین امسال، تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار زائر از مرز خسروی به عراق عزیمت کرده‌اند.

مسئولان استان کرمانشاه پیش‌بینی کرده‌اند امسال یک میلیون و ۵۰۰ هزار زائر از گذرگاه رسمی خسروی عازم عراق شوند.